

شماره چهارم، اردیبهشت ۱۴۰۰



در اندیشه عدالت کانت اصول عدالت که پایه رفتارهای بیرونی و روابط اجتماعی بشر است، سیمای زندگی خوب و اخلاقی بشر را ترسیم می‌کند.



شماره مجوز نشریه : ۱۴۰۰۴۱۱

شماره چهارم، اردیبهشت ۱۴۰۰

صاحب امتیاز : انجمن علمی علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

زمینه انتشار : علمی، فرهنگی، اجتماعی

مدیر مسئول: سجاد رحیم زاده

سر دبیر: الهه نیک فر

استاد مشاور نشریه : دکتر احمد رضا اصغریپور

طراح جلد و صفحه آرا : احمد رضا جمالی

راه های ارتباطی با نشریه

nashrie sokoot@gmail.com

پست الکترونیک:

راه های ارتباطی با انجمن علمی علوم اجتماعی :

sociology\_in\_ferdowsi

صفحه

sociology\_in\_ferdowsi

کانال

sociology\_in\_ferdowsi@gmail.com

ایمیل انجمن

هیات تحریریه: نفیسه روشندل، یگانه چرخ‌ی، الهه نیک فر، مهدیه

معدنی، یگانه تقی زاده، زهرا باغبان، فاطمه عباس زاده، زهرا شریفی

پذیرای هر گونه انتقاد و پیشنهاد شما هستیم.

.....

# فهرست

## سرمقاله ۴

۶ نقش دولت در عدالت آموزشی

۸ نخبه پروری

۱۱ مقایسه نظام های دانشگاهی

۱۴ مصاحبه

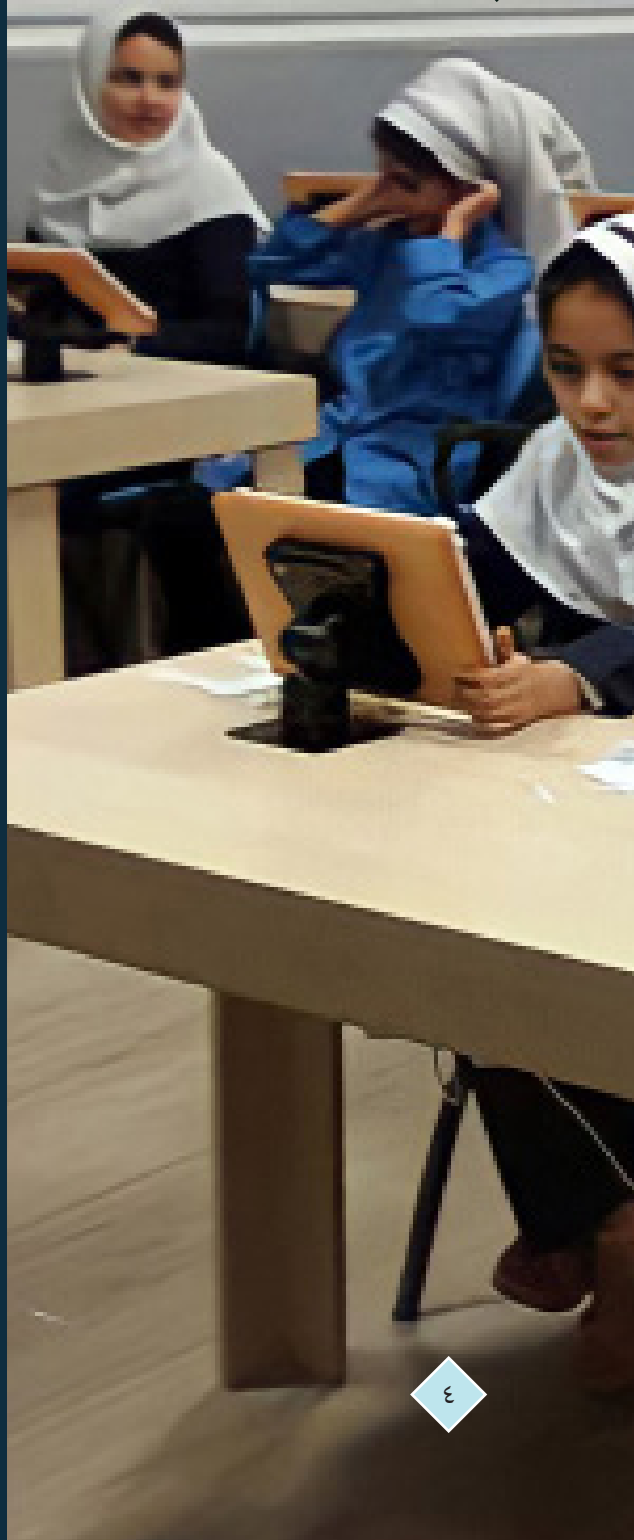
۲۲ آموزش رایگان و عدالت آموزشی

۲۵ کنکور و عدالت آموزشی

۲۷ تجربه عدالت آموزشی و دیگر کشورها



عدالت آموزشی مفهومی پر کاربرد که دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... که دغدغه های بسیاری ایجاد کرده است، می باشد. مفهوم عدالت آموزشی در گذر زمان در فرهنگ های مختلف دارای تعاریف و بار معنایی متفاوت و دلالت های تربیتی مختلفی بوده است. هر کدام از این فرهنگ ها به وجهی از عدالت آموزشی پرداخته اند؛ همین مسئله، تحقق عدالت در آموزش و پرورش را به موضوعی چالشی تبدیل کرده است؛ رفع این مشکل نیازمند ارائه تعریفی از عدالت است که با مفهوم تربیت تعارض نداشته باشد؛ یعنی برداشتی از عدالت در مفهوم ترکیبی "عدالت آموزشی" مدنظر باشد که به ارزش های تربیتی، عقلانیت، استدلال، نقد، بی طرفی، احترام نهادن به دیگران و آزادی متعهد باشد. کمپبل معتقد است که عدالت یکی از اصطلاحات مبنایی سیاست و اخلاق است که با اهمیتی عالگیر در همه نظریه های سیاسی و اجتماعی نقش محوری دارد. ضرورت عدالت آموزشی این است که تحقق آن به منظور اجرای عدالت در فرهنگ است. اگر در آموزش و فرهنگ یک کشور گریز از تبعیض، فساد، خیانت و حق کشی وجود داشته باشد و مردم به حق و عدالت گرایش داشته باشند می توان به نوعی تعادل در آموزش رسید که همان عدالت فرهنگی و آموزشی است. طبق نظریه رفتارگرایی که بخشی از نظریه های یادگیری است، یکی از مصادیق عدالت نوع رفتار معلم





با دانش آموزان است که با توجه به نکات ذکر شده در بالا، اگر دانش آموزان عدالت ببینند می توانند با عدالت در جامعه رفتار کنند. با توجه به مطالب گفته شده، عدالت آموزشی یعنی تقسیم و توزیع مساوی منابع آموزشی بین افراد و برخورداری همگان از فرصت های تحصیلی موجب شکوفا شدن اندیشه های خلاق شده و امکان پرورش قابلیت را برای همه به طور مساوی تامین می کند. می تواند بنیان جامعه را متحول کند. کشور را به سمت علمی نگری و حرمت نهی به علم پیش برد. جامعه را از صعب ترین مسیرها برای نیل به سربلندی سوق دهد و همچنین جامعه را از فقر مضاعف و تنگدستی برهاند.

”

#### منابع :

فصلنامه علمی- پژوهشی در یادگیری آموزشی و مجازی، سال سوم، شماره دهم مفهوم پردازی عدالت در نظام آموزشی ایران : مطالعه کتاب های درسی پیش از دانشگاه بیات و قاسمی، ۱۳۹۸  
بررسی راهکار های تحقق عدالت آموزشی در آموزش و پرورش  
تبیین و تحلیل مفهوم عدالت آموزشی و دلالت های تربیتی آن در نظام تعلیم و تربیت ایران، جهانبخش اورک، ۱۳۹۴  
کاربرد نظریه های یادگیری در آموزش شیمی، ۱۳۹۹



آموزش و پرورش ساختاری برای باز تولید ارزش های نظام حاکم است، که رابطه ای تنگاتنگ با نظام سرمایه داری دارد در مجموع رابطه دولت و سرمایه داری، رابطه ای جالب است. برخلاف ادعای طرفداران اقتصاد آزاد که معتقدند دولت نباید در اقتصاد دخالت کند؛ پشوانه ی سرمایه داران، دولت است که، استثمار مثال بازار آن است.

ایران چطور استثمار شد؟ انبوه قراردادهای ننگین از زمان قاجار چطور انعقاد می شدند؟ ناصرالدین شاه زمانی که دریافت قراردادهای برای منافع ملی ایران مناسب نیست، اما در عین حال قادر به ملغی کردن آنها نبود چراکه پشت آن فرد دولت بریتانیا قرار داشت؛ و اگر قرارداد اجرا نمی شد، ایران مورد تهدید

دولت بریتانیا قرار می گرفت. دولت های استعماری به شدت حامی سرمایه دارها بودند اما در موارد دیگری ملاحظه می کنیم وقتی تاجری، قراردادی با کشور جهان سوم می بست؛ دولت پشت سر آن تاجر می گفت که از قراردات حمایت نمی کنیم، در اکثر مواردی که دولت حمایت نکند؛ تاجر عقب نشینی می کند.

چپ هایی که از عدالت آموزش صحبت می کنند آن را حق مردم می دانند اما هنگامی که در میدان عمل می آیند به نفع سرمایه دارها اجرا می کنند در مجموع همواره همینطور بوده است. مثلاً اکنون حداکثر ساعت کاری در ایران ۸ ساعت است؛ و طوری عنوان می شود که انگار همیشه ۸ ساعت بوده است.

خیر، در قرن ۱۸ انگلیس (مبدا سرمایه داری) ساعت کاری تا ۲۴ ساعت می رسیده است که سرمایه دار براساس سود بیشتر این روبه را انتخاب می کرد در زمانی بحث ساعت کاری به میان می آید که جنگ اتفاق می افتد و دولت شروع به سر باز گیری می کند آن ها متوجه شدند که سربازان ضعیف می شوند و به راحتی می میرند

یعنی دولت زمانی وارد عمل می شود که منافعی داشته باشد، اگر ساعت کاری تعیین نکنند نمی تواند ارتشی تشکیل دهد و اگر نتواند ارتشی تشکیل دهد در صورت حمله ی کشورهای دیگر، نابود می شوند. آن حد و مرز ساعت کاری بخاطر مردم نیست؛ بلکه به خاطر آن است که نیرو و انرژی حلقی مردم را در اهداف





اهداف خود استفاده کند.

در امر آموزش نیز همین طور است. دولت مرکزی و سرمایه داران برای منافع به این نتیجه رسیدند که انسان‌ها باید سواد بیاموزند؛ چرا که با کارگران باسواد بازدهی بالا می‌رود. بنابراین این آموزشی که از اواسط قرن ۱۸ شروع شد در راستای توانمندسازی انسان‌ها نبوده و نخواهد بود بلکه در راستای توانمندسازی سرمایه داری است که افراد قادر باشند بهتر برای سرمایه دار (کارفرما) کار کنند. فنی‌الواقع، نظام آموزشی که پیش رو داریم، نظامی کارمندساز است نه کار آفرین.

خیلی از شرکت‌های بزرگ مانند ایلان ماسک شرط تحصیلات را به کنار گذاشتند برخی می‌گویند عصر مدرک‌گرایی تمام شد و ما خوشبخت شدیم؛ خیر این طور نیست. بلکه صنعت جدید که در ادبیات جامعه شناختی آن پساפורدیسم، که نیازی به آموزش ندارد البته نمی‌گوید آموزش امری مضمون است؛ بلکه می‌گوید زائد است. بدین معناست که تکنولوژی تمام قد حمایت‌گر سرمایه دارها است. (تمام سرمایه‌داری که می‌گویند مدرک و آموزش مهم نیست؛ فرزندان خود را به بهترین مراکز آموزشی می‌فرستند اما مردم عادی متاسفانه به این امر دقت

نمی‌کنند و به راحتی گول شعارهای پوپولیستی را می‌خورند) بنظر یکی از بهترین راهکار و ایده را دیوید هاروی ارائه داده است: «در جامعه از خدمات اولیه‌ای چون درمان، تحصیلات مسکن باید کالایابی کنیم». البته سرمایه داری، خدمات عمومی را به نفع خود خصوصی سازی کرده است.

حال با توجه به این امر ببینیم ما کالایابی کرده ایم یا کالاسازی؟!

ایران سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۱ دوره‌ی پهلوی دوم با پیدایش ثبات نسبی در اوضاع سیاسی و اداری، کوشش حکومت برای گسترش عدالت آموزشی روبه افزایش نهاد (صدیق اعلم، ۱۳۵۱، صص ۱۷۱-۱۷۰). علاوه بر آن در زمینه‌های مختلفی چون بهداشت و آموزش عملکرد مناسبی داشت چراکه آنها را عمومی کرد و ثمره‌ی آموزش عمومی آن دوره افزایش باسوادی و کاهش نابرابری بود. پس از پایان جنگ و با برآمدن دولت سازندگی، نظام آموزش در ایران، کالاسازی و تبدیل به کالای لوکس شد و از آن فراتر رفت و در کلاس‌های کنکور و کلاس‌های فوق برنامه نیز رسوخ کرد پیامد تدلوم آن سیاست‌ها آن است که آموزش در ایران به بیش از ۱۵ نوع تبدیل شده است.

(دولتی، نمونه دولتی، تیزهوشان، سمپاد، شاهد و ...) که به نوعی نابرابری را افزایش داده است. هر چند که با ادامه‌ی این روند، این امر ریشه کن شدنی نیست. هم‌چنان که بورديو می‌گوید نابرابری اقتصادی در نابرابری آموزشی بازتولید می‌شود، چراکه با کالایابی سازی آموزش، برخورداری از امکانات آموزشی طبقاتی شده و امکانات مالی موفقیت تحصیلی را در پی خواهد داشت. این مسئله را به گونه‌ای دیگر می‌توان در قبولی دانشگاه‌ها مشاهده کرد. برخورداری از امکانات، کتاب‌ها و کلاس‌های کمک آموزشی در دست طبقه متوسط به بالا، قبولی در دانشگاه‌های تهران را در انحصار آنان قرار داده است.

صدیق اعلم، عیسی (۱۳۵۱). تاریخ فرهنگ در ایران از آغاز تا زمان حاضر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.





## معمولی های بی نام و نشان گردنخبران قهرمان

نفسه روشندل کارشناسی ۹۶ علوم اجتماعی

دانشگاه های صاحب امتیاز و معتبر جهان از مراکز اصلی نخبه پروری به شمار می روند به ویژه با غلبه سنت فکری و سیاسی نولیبرالی، کالایی شدن آموزش و رقابت دانشگاه ها برای تولید علم و جذب سرمایه و اخذ شهریه های سنگین به جهت جذب بهترین و نابغه ترین دانشجویان هر چه بیشتر شده است. در این مراکز باور عمومی بر آن است که مستعدترین دانشجویان که اغلب از طریق کسب بهترین نمرات، توصیه استادان و انجام پروژه های پژوهشی شناخته می شوند، سرمایه اصلی دانشگاه و مهم ترین عامل رقابت برای جذب دانشجو و ارتقای سطح علمی دانشگاه هستند.

می انجامد در حالی که علی القاعده همه دانش آموزان کشور باید به یک اندازه از امکانات و شرایط آموزشی و تربیتی مناسب بهره مند شوند. این که چرا همواره این وزارت تعلیمی و تربیتی به جای اقامه فریضه آموزش عمومی و تحقق اهداف والای تعلیم و تربیت، آن هم به همه دانش آموزان کشور؛ بخش اعظمی از وقت و سرمایه های مادی و معنوی خود را صرف تحقق فضیلتی به نام سیاست نخبه گرایی می کند جای بررسی و سؤال است.

**در این میان دو دیدگاه موافق و مخالف با نخبه پروری وجود دارد:**

موافقان نخبه پروری: بسیاری از جوامع علمی به خصوص

اصطلاح نخبه از کلمه Eligere به معنای انتخاب و یا انتخاب کردن مشتق شده است. نخبه به گروه هایی از افراد جامعه که جایگاه یا مقام و منزلت سیاسی، اجتماعی و ویژه ای داشتند، مانند کشیشان، ماموران عالی رتبه دیوانی، اشراف زادگان و فرماندهان نظامی اطلاق می شد همچنین اصطلاح نخبه در آموزش و پرورش، به دانش آموزی گفته می شود که یک یا چند استعداد او نسبت به سایر دانش آموزان پیشرفت بهتری داشته و یا از آمادگی بالاتری برخوردار است اما نخبه گرایی در بعد آموزشی، عموماً به توجه و تمرکز نظام آموزشی بر تربیت و تقویت باهوش ترین، با استعدادترین و توانمندترین افراد گفته می شود. نخبه پروری با سیستم کاملاً نمره محور، افراد را بالا می برد و در گوششان مدام می خواند که تو تک، یگانه و نابغه هستی و با همه فرق داری در این میان توجه بیش از حد به سیاست نخبه گرایی در آموزش و پرورش، بین عده کمی از دانش آموزان (به عنوان نخبه) با عده کثیری از ایشان، شکاف آموزشی ایجاد می کند؛ که رفته رفته عمیق تر و وسیع تر می شود، تا آن که به «ناعدالتی آموزشی»





جامعه شناختی نیز نظریه پردازان لزوما تاکید بر نخبه گرایی را مذموم نمی دانند از جمله ماکس وبر، دارا بودن تحصیلات دانشگاهی و کسب مدرک را عامل تعیین کننده ای برای پایگاه اجتماعی، در کنار طبقه اجتماعی و قدرت جامعه می داند که با به دست آوردن اقتدار عقلانی قادر به کسب مشروعیت و پایگاه در جامعه است.

هم چنین در تحقیقات بلاو و دانکن، کسب موقعیت دانشگاهی یکی از مهم ترین عوامل در تسهیل تحرک اجتماعی اقشار ضعیف و متوسط جامعه به شمار می رود.

منتقدین نخبه پروری: انتقادهایی از سوی کارشناسان آموزشی اندر باب خطرات و چالش های گرایش به سمت نخبه گرایی حتی در دانشگاه های برتر جهان نیز وارد آمده است. از جمله این انتقادات وجود ساختارهای تبعیض آمیز در جامعه است که بر ورودی ها و فارغ التحصیلان این مراکز علمی تاثیر می گذارد. گفته می شود مثلا شاخص های مورد نظر نخبگی تحت تاثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان و میزان دسترسی آنها به امکانات آموزشی، برخورداری از سابقه تحصیلی بالای والدین، نزدیکی به مراجع قدرت است. این نگرانی ها به خوبی نشان می دهد که تعریف دانشجوی نخبه بسیار با آنچه در ظاهر تنها برخورداری از هوش و استعداد بالا به نظر می رسد فرق دارد.

گذشته از بررسی این دو دیدگاه، جامعه توسعه یافته، جامعه ای است متشکل از جمعیت بزرگی از افرادی که هر کدام در چیزی استعداد دارند و برای شکوفایی استعدادشان زمینه های لازم برقرار است. مردم در جوامع توسعه یافته از اینکه معمولی هستند خجالت نمی کشند و معمولی بودن را کاستی نمی دانند اما در کشورهای کمتر توسعه یافته، نخبه ها یکه تازی می کنند مردم در اینگونه

کشورها منتظر ظهور نخبه ها و قهرمانان در حوزه های مختلف هستند. نخبه ها برنده این جوامع هستند و همه والدین می کوشند تا فرزندشان یکی از این نخبه ها و نابغه ها باشد اما آیا سیستمی که ضد اکثریت افراد جامعه و طرفدار نوابغ اندک جامعه است، سیستمی عادلانه و انسان دوستانه است؟

در سال های اخیر این انگاره تقویت شد که برای توسعه کشور، باید روی نخبگان، سرمایه گذاری و آنان را به صورت جداگانه تربیت کرد تا جامعه رو به توسعه و موققی باشیم. نخبه ها تبدیل به بتهایی شده اند که باید در مدارس جداگانه ای درس بخوانند و بقیه مردودشدگان آزمون های استعدادیابی، با یک ارزش گذاری منفی، غیرنخبه خوانده و کنار گذاشته می شوند. ما مدام فرزندان خودمان را با نخبه ها مقایسه می کنیم و مدام به آنها سرکوفت می زنیم به طوری که گمان می کنیم فقط افراد خاصی نخبه هستند که ما باید آنها را پیدا کنیم تا بتوانند مشکلات و مسائل آدم های معمولی و غیرنخبه جامعه را حل کنند. این موضوع، کاملا اشتباه است. ما نخبگی و ضابطه های تشخیص نخبگی را اشتباه تعریف کرده ایم؛ بچه هایمان را از دوران دبستان و حتی قبل تر، یعنی مهدکودک به گمراهی می کشانیم و اکثریت معمولی جامعه را از دیگران برتر جدا می کنیم. گرچه همیشه سیستم های نابغه پرور در ایران کار می کرده اند اما از اواخر دهه ۶۰ که المپیادهای دانش آموزی رواج پیدا کرد افزایش این مشکل، سرعت گرفت. متأسفانه بخشی از دانش آموزان را در سنی جدا می کنند و به آنها آموزش ویژه می دهند و خلاقیت شان را از بین می برند. اینکه این گروه، ممتاز تلقی و از بقیه افراد، متمایز می شوند، باعث ایجاد احساس سرخوردگی در بقیه افراد معمولی و غیرنابغه می شود. این سیستم





حد یک دنیای آرمانی ایجاد می‌کنیم. تا اینجا از آسیبی که به معمولی‌ها وارد می‌شود گفتیم؛ حال ببینیم چه آسیبی به نابغه‌ها و نخبه‌ها وارد می‌شود شاید ساده‌ترین پاسخ همانی باشد که آقای دکتر رضا قلی در کتاب «جامعه‌شناسی نخبه‌کشی» داده‌اند؛ یعنی جامعه ما نخبه‌کش است... در این میان دانش آموزان و یا دانشجویان اگر با رقابت خود مدار فردی بیست گرفتند و بی رحم شدند و برای مناسک چیزهایی را طولی وار حفظ کرده اند تالوح تقدیر بگیرند و عکسشان قاب گرفته شود، در آن صورت نخبگان بی رحم آینده تربیت می‌شوند...

#### منابع:

۱. رضاقلی، علی (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی نخبه‌کشی، نشر نی
۲. نیک‌نشان، شقایق، صدقی دار افشانی، سعید (۱۳۹۵) تاملی بر آموزش و پرورش نخبگان، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره یک
۳. طاهری، مازیار، (۱۳۸۷) نخبه و نخبه‌گرایی، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۳۹

ضد مردم معمولی است. با این سیاست‌های آموزشی مبتنی بر نخبه‌پروری، بدون اینکه نفعی برده باشیم نسل‌هایی پی‌درپی را منحرف کرده‌ایم ولی هیچ‌کس هم نمی‌خواهد جوابگو باشد و هیچ مؤسسه و دانشگاهی هم نسبت به ضربه‌ای که المپیادها، آزمون‌های ورودی تیزهوشان و دیگر سیستم‌های جداسازی نوابغ از عادی‌ها به جامعه زده‌اند تحقیق و پژوهشی انجام نداده است؛ رسانه‌ها هم اخبار المپیادها را به شکل ویژه‌ای بازنمایی می‌کنند. حال با سرکوب کردن و به حاشیه راندن معمولی‌ها، آیا همه آن کسانی که المپیادی بوده‌اند و سیستم ما به آنها مهر نخبگی زده است در آینده کشور تاثیر گذارند؟

ما انسان‌های اجتماعی هستیم؛ وقتی عده‌ای از انسان‌های اجتماعی را ایزوله می‌کنیم و می‌گوییم شما مصرف آموزشی، فرهنگی و ...تان با همه هم‌بسن‌های معمولی‌تان فرق می‌کند، آنها را از مواهب زندگی معمولی اجتماعی محروم و برای این نخبه‌های خط‌کشی‌شده، توقعاتی در



## نظام دانشگاهی در کفه ترازو!

یگانه چرخي نصرت آبادی کارشناسی ۹۸ علوم اجتماعی

انگلستان را با در نظر گرفتن پارامترهایی نظیر مدت زمان لازم برای تحصیل، هزینه تحصیل، ساختار دانشگاه و ... مقایسه کنیم.

### پارامترهای مقایسه نظام های دانشگاهی:

۱. طول زمان تحصیل و تقویم آموزشی
۲. ساختار دانشگاه ها
۳. تکالیف دانشگاهی و سیستم نمره دهی
۴. هزینه های تحصیل
۵. محل اقامت و زندگی دانشجویی

### طول زمان تحصیل و تقویم آموزشی:

به طور کلی طول زمان تحصیل در سیستم آموزشی کشور ایران برای دوره کارشناسی، ۴ سال است و برای دوره کارشناسی ارشد، ۲ سال و برای دوره دکتری ۳ الی ۵ سال است. و در کشور آمریکا برای دوره کارشناسی، ۴ سال و برای

می کنیم، این مقایسه های بالا باعث می شود تا نقاط قوت و ضعف نظام دانشگاهی خود را بهتر بشناسیم و درصدد رفع این نقاط ضعف و بهبود هر چه بیشتر سطح فعلی خود باشیم... بر همین اساس در این قسمت سعی داریم تا به مقایسه نظام دانشگاهی ایران با نظام های دانشگاهی آمریکا و انگلستان بپردازیم.

مقایسه سیستم آموزشی ایران با سیستم آموزشی ایالات متحده و انگلستان با این پیش فرض صورت می گیرد که هر سه کشور شرایط تحصیلات ویژه و عالی را برای دانشجویان خود فراهم می کنند اما سیستم آموزشی ایران و ایالات متحده و انگلستان با هم کمی متفاوت است و برای هر یک از آن ها مزایا و معایبی وجود دارد. بر این اساس در این قسمت قصد داریم نظام دانشگاهی سه کشور ایران، ایالات متحده و

مقایسه، راهی است برای یافتن نقاط قوت و ضعف.

از طریق مقایسه و پی بردن به نقاط ضعف ها است که تمایل به بهبود و پیشرفت در افراد و جامعه و ... به وجود می آید.

طبق تئوری مقایسه اجتماعی که توسط لئون فستینگر در سال ۱۹۵۴ پیشنهاد شد، افراد برای ارزیابی خود، اغلب در مقایسه با دیگران خود را ارزیابی می کنند. مردم هر نوع قضاوت در مورد خودشان را انجام می دهند و یکی از راه های اصلی و یکی از راه های اصلی اینکه ما این کار را انجام می دهیم، از طریق مقایسه اجتماعی یا تجزیه و تحلیل خود در رابطه با دیگران است. به اعتقاد فستینگر ما در این فرایند مقایسه به عنوان راهی برای ایجاد معیار هستیم که بتوانیم ارزیابی دقیق از خودمان انجام دهیم.

بنابراین زمانی که ما خودمان را با کسانی که ایمان داریم بهتر از ما هستند، مقایسه کنیم، این مقایسه های بالا اغلب بر تمایل به بهبود سطح فعلی توانایی منجر می شود.

به همین دلیل هنگامی که نظام دانشگاهی کشورمان را با نظام دانشگاهی بهتر (مثل آمریکا و انگلستان) مقایسه



دوره کارشناسی ارشد، ۲ سال و برای دوره دکتری ۵ الی ۷ سال است و در کشور انگلستان برای دوره کارشناسی، ۳ سال و دوره کارشناسی ارشد، ۱ سال و دوره دکتری، ۳ سال می باشد. اما شاید یکی از مهمترین تفاوت ها بین نظام دانشگاهی ایران، آمریکا و انگلستان تفاوت در تقویم آموزشی این سه کشور است. در اکثر دانشگاه های کشور آمریکا از سیستم تقویمی دو ترمه استفاده می کنند اما برخی از آن ها هم هستند که از سیستم سه یا چهار ترمه نیز استفاده می کنند اکثر دانشگاه ها از اواسط تا اواخر ماه اوت شروع به کار کرده و در ماه می به کار خود پایان می دهند. تقویم آموزشی کشور انگلستان هم تقریباً شبیه کشور آمریکا است با این تفاوت که شروع

و پایان یک سال تحصیلی توسط هر دانشگاه متفاوت است. تقویم آموزشی در دانشگاه های ایران دو ترمه است و اکثر دانشگاه ها از اواخر شهریور شروع به کار می کنند.

### ساختار دانشگاه ها:

در ساختار کلی نظام آموزشی انگلستان، بسیاری از دانشگاه های آن کشور از «کالج ها» تشکیل شده اند کالج هایی که به «موضوع خاص و متمرکز» تحصیلی اختصاص دارند. علی رغم اینکه کالج ها توسط دانشگاه اداره می شوند اما هر کالج استقلال کامل جهت تصمیم گیری های اداری خود را دارد. در ساختار نظام آموزشی آمریکا، دانشگاه ها اغلب در موضوع به دانشکده ها تقسیم می شوند، اما این دانشکده ها به طور معمول از دانشگاه

مستقل نیستند. در ساختار نظام دانشگاهی ایران، برخی دانشگاه ها ساختاری مشابه ساختار دانشگاه های آمریکا دارند و دانشکده ها به چند دانشکده به تفکیک موضوع تقسیم می شود مثلاً دانشکده هنر، دانشکده الهیات و ... اما برخی دانشگاه ها ساختاری متفاوت دارند بدین صورت که تمام رشته ها بدون تفکیک موضوع کنار هم هستند و دانشگاه از چند دانشکده و کالج و ... تشکیل نمی شود.

### تکالیف دانشگاهی و سیستم نمره دهی:

از آنجایی که نظام آموزشی ایالات متحده آمریکا بر گستره وسیعی از علم و دانش تأکید دارد، بنابراین نیازمند درس خواندن هفتگی به همراه انجام سایر تکالیف و مشق شب، مانند



## محل اقامت و زندگی دانشجویی:

در مورد پارامتر زندگی دانشجویی باید گفت که هر سه کشور دانشجویان را به اقامتگاه‌ها و خوابگاه‌های مناسب از پیش تعیین شده هدایت می‌کنند. در ارائه رفاهیات و امکانات زندگی معمول دانشجویی آنها تقریباً همسان است اگرچه در انگلستان طبیعی‌تر این است که دانشجوی یک اتاق خواب مخصوص خود داشته باشد و محل اقامت او خارج از دانشگاه باشد در حالی‌که در ایالات متحده و ایران دانشجوی باید یک اتاق خواب را با حداقل یک نفر دیگر اشتراکی استفاده نماید و محل اقامت دانشجوی اغلب داخل دانشگاه است. اکنون با توجه به تئوری مقایسه اجتماعی و پارامترهای گفته شده، تا حدودی به نقاط قوت و از همه مهمتر نقاط ضعف خود در مقابل نظام های دانشگاهی امریکا و انگلستان پی بردیم. مثلاً سبک آموزشی نادرست (تدریس دروس غیر ضروری و کم ارزش)، عمق آموزشی کم (تا حدودی از هر موضوعی آموزش داده می‌شود)، نحوه ارزیابی (بیشتر متمرکز بودن بر امتحان نهایی به جای عملکرد در طول سال) و... از این طریق می‌توانیم درصد رفع این نقاط ضعف و بهبود هر چه بیشتر سطح فعلی خود باشیم. به امید رسیدن به نظام آموزشی بهتر!!!

”

### منابع:

[www.apply.applaypedia.ir](http://www.apply.applaypedia.ir)

[www.fa.m.wikipedia.org](http://www.fa.m.wikipedia.org)

[www.fa.reoveme.com](http://www.fa.reoveme.com)

پروژه های کوچک نوشتن آکادمیک، مقالات پژوهشی و پرزنت های شفاهی در طول دوره تحصیلی هستند. در نظام آموزشی انگلستان و ایران اکثر دانشگاه‌ها بیشتر مبتنی بر کتب و جزوات درسی هستند و در برخی موارد ممکن است هیچ تکلیفی مورد نیاز نباشد و در عوض کل نمره دانشجو ممکن است بر اساس یک آزمون نهایی و گاهی یک آزمون میانترم باشد. در صورتیکه در ایالات متحده، فارغ التحصیلی دانشجو بر اساس عملکرد دانشجو در تمامی تکالیف مشخص شده از سوی استاد است و امتحان نهایی تنها درصد مشخص و کمی از کل امتیاز پاس کردن یک واحد درسی را دارد.

### هزینه های تحصیل:

هزینه های تحصیل در دانشگاه های انگلستان در حد متوسط است و برای دانشجویان بین المللی می تواند به میزان قابل توجهی بالاتر باشد (حدود دوبرابر) اما در انگلستان دولت محدودیت های هزینه های تحصیل و شهریه دانشگاه ها را تعیین می کند و هر دانشگاه می تواند تا آن محدوده به شهریه های خود بیافزاید. در ایالات متحده دولت کنترل محدودی بر آنچه که دانشگاه ها انجام می دهند، دارد. دانشگاه های ایالات متحده به طور معمول بین هزینه های تحصیل درون ایالتی و برون ایالتی تفکیک هزینه ها را دارند. همچنین بین دانشگاه های خصوصی و دولتی نیز شهریه ها متفاوت است. این تفاوت ها، هزینه تحصیل را تعیین می کند. در کشور ایران هم دولت کنترل محدودی بر آنچه که دانشگاه ها در زمینه شهریه ها انجام می دهند دارد. و بین دانشگاه های دولتی (شبانه) و آزاد و غیر انتفاعی و... شهریه ها متفاوت است. و بسته به این تفاوت دانشگاه ها، میزان شهریه تعیین می شود.





## مصاحبه اول

## «دریافت هزینه از دانشجویان نوبت دوم در دانشگاه‌های دولتی، یکی از مصادیق بی‌عدالتی آموزشی است»

این مصاحبه، با یکی از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است تا نظر ایشان را در خصوص عدالت آموزشی، به عنوان یک دانشجو پذیرفته شده در دوره نوبت دوم دانشگاه بدانیم. به طور کلی نظر ایشان مبنی بر ناعادلانه بودن دریافت هزینه از دانشجویان نوبت دوم بود. جزئیات بیشتر این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید:

۱- چه تعریفی از عدالت آموزشی در ذهن خود دارید؟

عدالت آموزشی یعنی آموزش تا سطحی برای همه افراد جامعه فراهم باشد و همه بتوانند تا آن مقطع تحصیل کنند. تا حدی که بی‌سواد نباشند یا حتی اگر مایل به ادامه تحصیل بودند، بتوانند از طریق بورسیه یا آموزش‌های رایگان فراهم شده از سوی دولت ادامه تحصیل دهند. یعنی طوری نباشد که عده‌ای چون پول یا امکانات مالی ندارند، از تحصیل و آموزش باز بمانند.

۲- با توجه به تعریف شما، بحث عدالت آموزشی در دانشگاه هم مطرح است؟

بله، قطعاً این هم بخشی از عدالت آموزشی است که ممکن است دولتی یا خصوصی باشد.

۳- لطفاً کمی بیشتر راجع به مصادیق عدالت آموزشی در دانشگاه توضیح دهید.

کنکور به عنوان راه ورود به دانشگاه، یکی از مصادیق بی‌عدالتی در آموزش است. استعدادهای درخشان در شهرستان‌های کوچک به خاطر امکانات آموزشی کم و نداشتن معلم، نمی‌توانند به خوبی کنکور دهند. این چیزها باعث می‌شود افرادی که پولدارترند و در شهرهای مدرن‌تر و با امکانات بیشتر زندگی می‌کنند، در دانشگاه‌های

خوب تحصیل کنند. برای همین به نظرم مسیر ورود به دانشگاه با بی‌عدالتی است.

۴- آیا پذیرش دانشجویان نوبت دوم در دانشگاه، از مصادیق عدالت آموزشی است؟

خیر، فکر می‌کنم این هم نوعی بی‌عدالتی است. اسم دانشگاه، دانشگاه دولتی است و کسانی که رتبه خوب می‌آورند، باید بتوانند از امکانات دانشگاه به صورت رایگان استفاده کنند. شاید به خاطر بودجه است که از یک عده پول می‌گیرند. انگار پول نوبت اول‌ها را هم آنها می‌دهند. به نظرم این درست و عادلانه نیست.

۵- به اندازه‌ای که شهریه پرداخت می‌کنید خدمات هم ارائه می‌شود یا خیر؟

در دانشگاه فردوسی بله و من از امکاناتش راضی هستم. اگرچه همچنان معتقدم دانشگاه دولتی نباید پولی دریافت کند؛ اما به نسبت هزینه‌ای که می‌گیرد، امکانات رفاهی مناسبی دارد.

۶- پس از شیوع بیماری کرونا، احساس منفی‌ای نسبت به عدم تعادل بین پرداخت شهریه و دریافت امکانات دانشگاه تجربه کرده‌اید؟

بله خیلی زیاد. چون ما دیگر نمی‌توانیم از امکانات دانشگاه استفاده کنیم؛ مانند امکانات آموزش حضوری، برق، سیستم گرمایش و سرمایش و امکانات جانبی که ما بیشتر به خاطر آنها شهریه پرداخت می‌کردیم. ولی الان که از امکانات دانشگاه استفاده نمی‌کنیم، شهریه هیچ تغییری نکرده و به نظرم درست نیست.

۷- برخی دانشجویان نوبت اول وقتی که فارغ‌التحصیل می‌شوند و مثلاً قصد مهاجرت دارند، باید هزینه‌ای را تحت عنوان آزادسازی مدرک پرداخت کنند؛ یا در کشور حضور داشته و به اندازه تعداد سال‌های تحصیل کار کنند. به نظر شما این قضیه باعث برقراری عدالت آموزشی می‌شود؟

خیر. من این را نمی‌دانستم و فکر می‌کنم یک نوع تبعیض بین دانشجویان نوبت اول هم هست. یعنی آنهایی که پولدارند لازم نیست کار کنند و با پرداخت هزینه مدرک خود را آزاد می‌کنند؛ ولی کسانی که نمی‌توانند هزینه آزادسازی مدرک را تأمین کنند، ناچارند کار کنند.

۸- چه تجربه‌ای از بی‌عدالتی نسبت به دانشجویان نوبت دوم دارید؟

در دانشگاه برای تقسیم امکانات آموزشی من رفتار تبعیض آمیزی ندیدم. فقط همان بحث شهریه است؛ وگرنه در توزیع امکانات، تدریس اساتید و ساعت کلاس‌ها من هیچ وقت تبعیضی ندیدم. فقط همین شهریه است که به خاطر چند رتبه بالا و پایین، مجبوریم هر ترم هزینه نسبتاً زیادی بدهیم.

۹- به نظر شما آیا در حق دانشجویان نوبت دوم به طور کلی با این قوانین اجحاف شده است؟ بله تقریباً همینطور است. برای اینکه ممکن است عده‌ای علی‌رغم تلاش بسیار زیاد، در نوبت دوم پذیرفته شوند و نتوانند هزینه را پرداخت کنند. نسبت به دانشگاه‌های غیرانتفاعی، هزینه کمی هم نیست.

۱۰- آیا دانشجوی نوبت دوم بودن، باعث شده علاقه و انگیزه شما نسبت به رشته تحصیلی یا کلا تحصیل در دانشگاه کاهش یابد؟

خیر، من چون به رشته‌ام علاقه داشتم و برایم مهم نبود که نوبت دوم پذیرفته می‌شوم. همین که در این رشته قبول شدم، برایم خوشحال کننده بود.

۱۱- درخصوص دوستان و اطرافیان‌تان که شرایط مشابهی دارند چطور؟

گاهی شنیده‌ام که بعضی افراد از این که باید هر ترم مبلغ زیادی را بدهند، ناامید می‌شوند؛ در حالی که بقیه از همین امکانات به صورت

رایگان استفاده می‌کنند. از آنجایی که کار پیدا کردن هم در کشور ما سخت است، فکر می‌کنند دارند هزینه اضافی می‌دهند و ناامید می‌شوند. ۱۲- چالش‌های شما به عنوان یک دانشجوی نوبت دوم چیست؟ آیا چیزی بیشتر از پرداخت شهریه بوده است؟

برای انتخاب واحد گاهی چالش‌هایی پیدا کرده‌ام؛ چون ما حتماً باید قبل از انتخاب واحد شهریه ترم را واریز کنیم و اگر نکنیم، نمی‌توانیم انتخاب واحد کنیم. امکان دارد گاهی یک نفر این مورد را فراموش کند و اگر از تایمش بگذرد، ممکن است کلاس‌ها و روزهای مدنظرش تکمیل شوند.

۱۳- اگر به جای یک مقام مسئول بودید، دوست داشتید چه کارهایی در جهت تحقق عدالت آموزشی در دانشگاه انجام دهید؟

هرچند نظام کنکور هم ناعادلانه است، اما کسانی که دانشگاه دولتی قبول می‌شوند و تلاش بیشتری می‌کنند، باید حمایت زیادی شوند. من از بزرگ‌ترها شنیده‌ام که در گذشته، در دانشگاه‌ها هزینه‌ای تحت عنوان کمک خرج به آنها پرداخت می‌شد. چون در دوره دانشجویی، اغلب افراد نمی‌توانند کار کنند و بیشتر درگیر تحصیل هستند. من فکر می‌کنم علاوه بر رایگان بودن امکانات دانشگاه، باید حمایت مالی هم از دانشجو بشود. البته این خیلی ایده‌آل است، اما حداقل خدمات دانشگاه دولتی نباید پولی باشد و این کوچک‌ترین قدمی است که می‌توانند در جهت تحقق عدالت در دانشگاه‌های دولتی بردارند.

مصاحبه دوم:

## «سوگیری در پذیرش دانشجویان استعداد درخشان، باعث ایجاد ناعدالتی در این روند می شود»

در دومین مصاحبه با محوریت عدالت آموزشی، به سراغ یکی از دانشجویان پذیرفته شده در مقطع ارشد از طریق استعدادهای درخشان (بدون کنکور) رفتیم تا نظر ایشان را راجع به ارتباط ارشد بدون کنکور با عدالت آموزشی و مزایا و معایب این موضوع بدانیم.

۱- تعریف عدالت آموزشی از نظر شما چیست؟  
عدالت آموزشی یعنی هر کسی

در نظام آموزشی، فارغ از شرایط اقتصادی، اجتماعی و شهر محل سکونت به آنچه که لایقش است و به آن علاقه دارد برسد. ۲- چطور می توان عدالت آموزشی را برای ورود به دانشگاه برقرار کرد؟  
شاید اگر بشود کنکور را از دست کاسبان آن نجات داد، این امر هم محقق شود. به خصوص در دوران کارشناسی، چون بچه هایی که در دانشگاه های خوب قبول می شوند، اغلب از خانواده های مرفه اند. اگر بناست در موسسات کنکور چیزی به بچه ها اضافه شود، بهتر است مستقیماً در نظام آموزشی به آنها منتقل شود. این گام بزرگی در برقراری

دانشجو در مقطع ارشد بدون کنکور (استعداد درخشان)، می تواند یکی از مصادیق عدالت آموزشی باشد؟  
نه زیاد. هیئت علمی هر گروه در یک دانشگاه، تصمیم می گیرند چه کسی بدون کنکور وارد مقطع ارشد شود و به دیگران که قبول نشده اند پاسخگو نیستند. وقتی شفافیت وجود نداشته باشد، نمی توان قضاوت کرد اما طبق تجربه خودم و دیگران، فکر نمی کنم عادلانه باشد. هر دانشگاهی برای مقطع ارشد، از دانشجویان کارشناسی خودش دانشجو می گیرد. مثلاً نمی توان از دانشگاه فردوسی به دانشگاه



تهران پذیرش گرفت. در نتیجه آدم‌هایی انتخاب می‌شوند که نسبت بهشان در کارشناسی شناخت داشته‌اند و این سوگیری باعث می‌شود روند پذیرش، عادلانه نباشد.

۴- شرایط ورود به مقطع ارشد بدون کنکور چیست؟

شرایط اصلی مثل معدل الف بودن و شرایط فرعی هم مثل مقاله داشتن و داشتن وجهه علمی خوب بین اساتید یا شرکت در فعالیت‌های انجمن علمی.

۵- کارکرد مثبت وجود چنین امکانی در دانشگاه چیست؟

ایجاد رقابت بین بچه‌ها موجب می‌شود که فقط متکی به سال آخر و کنکور نباشند و در طی دوران کارشناسی از نظر علمی خود را ارتقا دهند. اگر چنین چیزی نباشد، بیشتر افراد فقط در سال آخر و برای کنکور تلاش می‌کنند.

۶- معایب آن چیست؟

افراد متقاضی از سایر دانشگاه‌ها حذف می‌شوند؛ چون اعضای هیئت علمی دیدی نسبت به آنها ندارند. از طرفی دیگر نمی‌توان همه را با معیار نمره سنجید و افراد با توانایی‌های مختلف نادیده گرفته می‌شوند؛ مثلاً کسی که قلم خوبی دارد و حتی در جای دیگری مشغول به فعالیت است و فرصت و مجالی نداشته که خود را سرکلاس نشان دهد. این جور آدم‌ها با اینکه استعداد دارند، دیده نمی‌شوند؛ یا کسانی که توانایی تحلیل خوبی دارند اما در امتحاناتی که صرفاً بر مبنای حفظیات هستند، نمی‌توانند خود را نشان دهند و نمره کمتری می‌گیرند.

۷- به نظر شما بهتر است روند پذیرش دانشجوی ارشد بدون کنکور ادامه‌دار باشد یا خیر؟

به شرط این که اصلاحاتی انجام شود،

می‌تواند خوب و مناسب باشد.

من مخالفم که همه چیز به گردن کنکور بیفتد. ارشد بدون کنکور در بچه‌ها ایجاد انگیزه می‌کند و از این نظر خوب است.

۸- هر بار به طور متوسط چند نفر از یک ورودی پذیرفته می‌شوند؟

فکر می‌کنم این را سازمان سنجش اعلام می‌کند؛ اما معمولاً یک یا نهایتاً سه نفر. ۹- اگر معیار اصلی پذیرش را نمره در نظر بگیریم و یک نفر فقط به خاطر چند صدم اختلاف معدل از نفر اول پذیرفته نشود، این را می‌توان از مصادیق بی‌عدالتی در آموزش در نظر گرفت؟

در این جور مواقع طبق چیزی که اساتید می‌گویند، به بقیه رزومه فرد نگاه می‌کنند. حتی شده کسی که معدل کمتری داشته به خاطر رزومه قوی‌تر پذیرفته می‌شود. اگر بنا صرفاً به نمره باشد، بله بی‌عدالتی است؛ اما فکر نمی‌کنم اینطور باشد.

۱۰- در طی سال‌های کارشناسی، ارشد بدون کنکور هدف شما بود؟ اگر هدف‌تان بود، چطور برایش تلاش می‌کردید؟

بیشتر هدفم این بود که تعداد سال‌های کارشناسی را کاهش دهم و زودتر تمام کنم. هر چند بین دو ورودی نفر اول شدم و پذیرش ارشد بدون کنکور هم گرفتم، اما بیشتر سال‌های آخر برایم مهم شد و گفتم اگر این اتفاق بیفتد خوب است. اما از اول هدفم نبود و بیشتر زود تمام کردن کارشناسی برایم هدف بود.

۱۱- بعضی دانشگاه‌ها کلاً برای ثبت نام مقطع ارشد، کنکور ندارند. به نظر شما این امر باعث برقراری عدالت آموزشی می‌شود؟



چون هرچیز ارزشمندی بهایی دارد و بهای آموزش باید پرداخت شود. این بها باید متناسب با شرایط اقتصادی آن خانواده باشد. اگر شرایط اقتصادی طوری نیست که فرد بتواند بهایی پرداخت کند ولی علاقه به تحصیل دارد، باید این امکان برایش فراهم باشد. راه دیگر این که به NGOها اجازه دهیم در عرصه آموزش و پرورش ورود کنند. من به عنوان کسی که در حال حاضر در یک NGO با موضوع نابرابری آموزشی فعالیت دارم، می‌دانم که چقدر ورود به عرصه آموزش و پرورش سخت است و چه نظام آموزشی بسته‌ای داریم. همچنین باید ساختار اجتماعی‌ای وجود داشته باشد که در آن نه مدرک تحصیلی بلکه مهارت‌های فرد اهمیت داشته باشد. این کمک می‌کند که افرادی که شایستگی و علاقه دارند به دانشگاه بیایند و کسی که علاقه ندارد، بتواند با همان مدرک دیپلم در زمینه موردعلاقه‌اش کار کند.

بله، تا حدی می‌تواند شرایط عدالت آموزشی را برقرار کند. به شرط این که همان طور که راحت پذیرفته می‌شوند، راحت فارغ‌التحصیل نشوند. مثلاً اگر کسی شرایط یا فرصت کنکور دادن را نداشته باشد و از این طریق در مقطع ارشد تحصیل کند، به نظرم خوب است. البته بحث شهریه هم هست. بعضی دانشگاه‌ها فقط به خاطر شهریه، ثبت نام را ساده می‌گیرند. اگر شهریه معقول باشد یا شرایط طوری باشد که اگر کسی شرایط پرداخت آن را نداشته باشد مثلاً از طرف NGOها یا سازمان‌های مختلف حمایت شود، خیلی خوب است.

۱۲- اگر به جای یک مقام مسئول بودید، چه راهکارهایی برای برقراری عدالت آموزشی داشتید؟  
تحصیل افراد ربطی به شهر و محله و خانواده نداشته باشد و فرد به خاطر این موارد از تحصیل محروم نشود. من با آموزش رایگان موافق نیستم.





### مصاحبه سوم

#### «در حاشیه شهر، آموزش و پرورش معنایی ندارد»

در این مصاحبه، با معلم یکی از مدارس روستای تبادکان که دهستانی از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد است، صحبت کردیم. محوریت این مصاحبه، دانش آموزان بازمانده از تحصیل به خاطر شیوع بیماری کرونا و شرایط فعلی زندگی آنها است که جزئیات آن را در ادامه می‌خوانید:

۱- شما چند سال است که به کار تدریس مشغول هستید؟ محل کارتان حدوداً واقع در چه منطقه‌ای است؟

یک سال است که در روستای تبادکان تدریس می‌کنم.

۲- در کدام مقطع تحصیلی تدریس می‌کنید؟ ششم ابتدایی.

۳- امکانات آموزشی مدرسه قبل از شیوع بیماری کرونا چگونه بود؟

من پس از شیوع بیماری کرونا تدریس را شروع کردم. بنابراین از امکانات مدرسه قبل از شیوع بیماری اطلاعی ندارم.

۴- پس از شیوع بیماری، مدرسه به کار خود ادامه داد؟ اگر پاسخ شما مثبت است، ادامه کار به چه صورت بود؟

بله، مدرسه به کار خودش ادامه داد. ادامه کار به این صورت بود که بعضی روزها که هنوز مدرسه تعطیل نشده بود، به صورت حضوری و پس از تعطیلی به دلیل عدم دسترسی همه بچه‌ها به اینترنت، برایشان هر هفته یا دو هفته یک بار درسنامه می‌نوشتیم. یعنی درس‌ها را به صورت جزوه خلاصه می‌کردیم و آقای مدیر به خانه‌هایشان می‌رساند. پس از مدتی مدرسه حضوری شد و دوباره در بهمن ماه که تعطیل شد، هر چند نفر از بچه‌ها با یک گوشی همراه،

کارشان را در شاد انجام می‌دادند.

۵- چند نفر از دانش آموزان در طی یک سال اخیر ترک تحصیل کردند؟

از ۲۷ نفر دانش آموزی که داشتم، الان ۱۳ تا مانده‌اند.

۶- ترک تحصیل دانش آموزان، صرفاً به خاطر امکانات بود یا خودشان هم تمایلی به ادامه تحصیل نداشتند؟

نه صرفاً به خاطر امکانات نبود و بعضی‌هایشان ازدواج کردند. فقط ۲-۳ نفر به خاطر امکانات و نداشتن تلفن همراه ترک تحصیل کردند.

۷- هنوز هم با دانش آموزان ارتباط دارید؟

بله ارتباط دارم؛ چون کلاس‌هایمان پابرجاست و هفته‌ای یک بار یا دو هفته یک بار، مدیر می‌گوید که به مدرسه بیایم و مشکلات درسی بچه‌ها را رفع کنیم.

۸- چقدر از شرایط زندگی آنها مطلع بودید؟ عمده مشکلاتشان مربوط به چه چیزی بود؟

خیلی دقیق مطلع نیستم؛ اما عمده مشکلی که بچه‌ها داشتند فضای سنتی حاکم بر خانواده‌ها بود که به شدت متعصب بودند. برتری‌جویی پسرها نسبت به دخترها زیاد بود و همه دانش آموزان من

بدون استثنا از دختر بودنشان پشیمان بودند. خیلی وقت‌ها سرکلاس می‌گفتند چرا خدا ما را دختر آفریده، وقتی خانواده‌هایمان بیشتر به پسرها بها می‌دهند. همچنین زود ازدواج کردن در خانواده‌هایشان مرسوم بود. من در پایه ششم ابتدایی دانش آموزی دارم که فرزند دارد. چون از کلاس چهارم ازدواج می‌کنند و در کلاس ششم بعید است کسی ازدواج نکرده باشد.

۹- تعریف عدالت آموزشی از نظر شما چیست؟

عدالت آموزشی یعنی همه بچه‌ها به یک نوع امکانات و آموزش دسترسی داشته باشند و در کنار آن، آموزش مخصوص به قوم و مذهب خود را. ببینند رفاهی که در مدارس برتر مشهود است، در هیچ کدام از مدارس روستایی نیست و همین یعنی عدالت آموزشی وجود ندارد یا خیلی کم وجود دارد. مثلاً جا افتاده که بچه‌های فلان ناحیه بهترند چون محل زندگی‌شان، جایی است که اغلب خانواده‌ها اصیل، متدین و متمدن هستند. اما در حاشیه شهر، شاید به همین جرم که حاشیه شهر است آموزش و پرورش معنایی ندارد و این برای من معلم خیلی اذیت کننده است.

۱۰- چطور می‌شود عدالت آموزشی را بین دانش آموزان برقرار کرد؟

وقتی دو مسئول با جریزه در هر منطقه وجود داشته باشد که درد بچه‌ها درد خودش باشد و وقتی دانش آموزان من به خاطر نداشتن گوشی همراه از درس می‌افتند، فکر کند بچه‌های خودش هستند و دغدغه‌مند باشد، عدالت آموزشی خیلی بیشتر برقرار می‌شود تا افرادی که وقتی نیروی معلم رسمی در یک مدرسه وجود ندارد و می‌خواهند نیرو بفرستند، سریع اول بین فامیل خودشان برای معلم می‌گردند. فلانی مثلاً رشته‌اش مهندسی کشاورزی است و دارد اول و دوم ابتدایی درس می‌دهد. به نظر من عدالت آموزشی یعنی بچه‌ها حقشان است که معلم متخصص و مورد اعتماد آموزش و پرورش داشته باشند و بهره‌مند شوند.

۱۱- چند نفر از دانش آموزان پس از تعطیلی مدارس، همچنان پیگیر آموزش بودند؟ فقط سه نفر پیگیر بودند.



۱۲- آیا تدبیر و راهکاری برای جلوگیری از ترک تحصیل دانش آموزان اندیشیده شد؟

بله راه‌های زیادی پیش پای خودمان و مدیر بود. مثلاً در خانه‌هایشان درس بدهیم یا بگوییم برایشان جزوه ببرند؛ اما اهالی روستای ما به قدری انسان‌های متعصبی هستند که وقتی دخترشان ازدواج می‌کند یا حتی او را برای یک پسر ۱۹-۲۰ ساله نشان کرده‌اند که هنوز خودش آن چنان دنیای بزرگی ندارد، دیگر اجازه نمی‌دهند درس بخواند. در این شرایط دیگر کاری از دست ما ساخته نیست. ۱۳- اگر شما به جای یک مقام مسئول بودید، برای بهبود شرایط این دانش آموزان و برقراری عدالت آموزشی چه کاری انجام می‌دادید؟

اول امکانات رفاهی بچه‌ها را درست می‌کردم که برای مدرسه آمدن انگیزه پیدا کنند. دانش آموزان من، آب آشامیدنی، گاز یا تلویزیون ندارند و آموزش اصلاً برایشان مطرح نیست. شما نمی‌توانید زندگی کردن در جایی را تصور کنید که گاز نباشد و زمستان را با بخاری نفتی سر کنید؛ ولی دانش آموزان من دارند زندگی می‌کنند.

## از شعار تا واقعیت حق تحصیل رایگان چندین فرسخ فاصله است.

زهرا شریفی کارشناسی ۹۶ علوم اجتماعی



شروع به فعالیت کردند، کسی تصور نمی‌کرد به دنبال این مدارس، مدارس دولتی نیز از حالت رایگان خارج شوند و شهریه‌هایی برای خود تعیین نمایند. این موضوع یعنی دریافت پول توسط مدارس دولتی در سال‌های اخیر، یکی دیگر از دغدغه خانواده‌هایی که زندگی معمولی داشته و از پس شهریه‌های سنگین مدارس غیرانتفاعی بر نمی‌آیند تبدیل شده است. اگرچه مسئولان آموزش و پرورش هر ساله از ممنوعیت دریافت پول توسط مدارس دولتی خبر می‌دهند اما شواهد چیز دیگری را نشان می‌دهد. پول‌هایی که البته نه به عنوان شهریه بلکه با عناوین مختلف مانند: جمع‌آوری کمک‌های مردمی، کلاس‌های فوق برنامه، فعالیت‌های کمک آموزشی، اردوهای تفریحی آموزشی و غیره در ابتدای سال تحصیلی و یا به مرور در طول دوران تحصیل از والدین گرفته می‌شود.

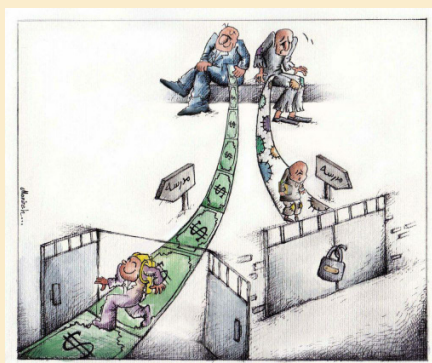
حتی با وجود مشارکت مردم در تامین هزینه‌ها و مهاجرت فرزندان خانواده‌های متمکن به مدارس غیردولتی که منجر به کاهش بار مالی آموزش و پرورش شده، وضعیت آموزش در بخش دولتی

حق دسترسی به آموزش رایگان به عنوان یکی از حقوق اساسی دانش آموز در قوانین رسمی ایران به طور صریح شناسایی شده است. آموزش رایگان شامل آموزش، تربیت بدنی و هنر می‌باشد یک حق همگانی است و همه مردم ایران از هر قوم و قبیله و یا با هر دین و مذهبی که باشند از این حق برخوردارند. عواملی مانند سن، نژاد، مذهب و سایر عوامل ممیزه تأثیری در حق اساسی نداشتند و دولت موظف است در هر نقطه از کشور وسایل و لوازم اجرای این حق را فراهم نماید. به این معنی که مسئولین و سیاستگذاران تربیتی بایستی در تمام مناطق ایران امکان اجرای این حق را به صورت مساوی برای همه مردم ایران فراهم نمایند. در نتیجه تقسیم منابع آموزشی بایستی به گونه‌ای باشد که همه مردم در همه مناطق آموزش و پرورش رایگان در دسترس داشته باشند.

همانگونه که متوجه شدیم آموزش رایگان یکی از وظایف اصلی دولت است. اما امروزه یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها پیدا کردن مدرسه مناسب برای ثبت نام فرزندانشان است. شاید زمانی که اولین مدارس غیرانتفاعی در کشور



بهبود نیافته است، تداوم سرمایه‌گذاری ضعیف دولت در مدارس دولتی و توقع روزافزون برای پرداخت تمام هزینه‌ها توسط مردمی که عمدتاً توان مالی مناسبی نداشتند، موجب کیفیت پایین مدارس عادی دولتی شد. بدین ترتیب آموزش و پرورش نه تنها در تحقق آموزش رایگان بلکه در تامین کیفیت مناسب ناکام مانده است.



هزینه آموزش و پرورش ژاپن در سال ۲۰۱۰ حدود ۲۲۰ میلیارد دلار بوده است که در میان کشورهای جهان رقم بسیار بالایی محسوب می‌شود. وزارت آموزش و پرورش ایران با کمک ۱۰۱۳۶۵۵ نفر از کارکنان خود (شامل ۹۸۱۸۶۹ نفر کارمند رسمی و پیمانی و ۳۱۷۸۶ نفر قراردادی، حق التدریس و وظیفه) مسئولیت تربیت ۱۲۷۶۸۶۹۷ دانش آموز را در ۱۱۱۴۰۱ مدرسه و ۵۳۸۸۱۶ کلاس درس بر عهده دارد. کل اعتبارات عمومی آموزش و پرورش در لایحه ۱۳۹۳ به میزان ۲۰۳.۷۴۹.۱۷۹ میلیون ریال (بیش از ۲۰ هزار میلیارد تومان حدود ۵ میلیارد یورو) است که ۹.۳ درصد از کل اعتبارات اعتبارات عمومی لایحه ۱۳۹۳ را شامل می‌شود.

طبق گزارشی که خانم ریحانه شیرازی مددکار اجتماعی از یک سری مدارس دولتی در مناطق کم درآمد ارائه کردند نشان داده شد که در حال حاضر کمک به مدرسه داوطلبانه نیست و اجباری

شده است و والدینی که برای اعتراض به آموزش پرورش شکایت برده بودند فرزندانشان از طرف مدرسه توبیخ شده بودند و حتی مواردی وجود دارد که به دلیل پرداخت نکردن کمک به مدرسه دانش آموز را از حضور در کلاس درس منع میکنند شیرازی با تأکید بر این که بیشتر خانواده‌های این مناطق، وضعیت اقتصادی خوبی ندارند و گاهی حتی به نان شب هم محتاج هستند، اظهار کرد: حتی ۱۰ هزار تومان برای خرید رومیزی کلاس، اردو و یا کلاس‌های فوق‌العاده برای آنها زیاد است، چه برسد به این که ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار تومان کمک به مدرسه بدهند. به گفته‌ی این فعال اجتماعی، در سال گذشته، مدارس هزینه‌های جانبی زیادی بر گردن دانش آموزان و والدین می‌انداختند؛ مانند خرید مازیک، تخته، مایع دستشویی، دستمال بسته‌ای، تهیه‌ی لباس‌های ورزشی یک رنگ و یک شکل که وقتی کودکان لباس‌های خانگیشان را می‌بردند، مورد قبول مدرسه نبود و پس می‌فرستادندو اگر این کودکان تحت حمایت ما نبودند بدلیل این مخارج، در درشان دچار مشکل می‌شدند.

البته تخلفات تنها به مدارس دولتی مختص نمی‌شود. مدارس غیرانتفاعی یا غیردولتی نیز با شروع ثبت‌نام‌ها در فصل تابستان بدون توجه به قانونی یکسان شهریه‌های گوناگون و نجومی دریافت می‌کنند که به نظر می‌رسد پیرو هیچ قانون خاصی نیستند. به طور مثال طبق آمار خراسان رضوی در مقطع ابتدایی حداقل شهریه ۲,۳۰۰,۰۰۰ میلیون تومان در مقطع متوسطه اول ۲,۶۰۰,۰۰۰ میلیون تومان و در مقطع متوسطه دوم ۴,۷۰۰,۰۰۰ میلیون تومان دریافت میشود که این مبالغ طبق مشاهدات انجام شده بیشتر هم میشود مثلاً در مقطع متوسطه دوم حتی به





نام در مدارس، سبب ایجاد دلهره و اضطراب در درصد زیادی از والدین و دانش‌آموزان می‌شود. امید است روزی دولت سکوت خود را بشکند و ضمن تبیین دقیق تعاریف مرتبط با اصلی قانون اساسی، به مردمی که به دنبال اثر این اصل در زندگی خود می‌گردند، بگوید تاکنون چه اقداماتی برای تحقق این اصل در آموزش و پرورش و آموزش عالی انجام داده و نتایج کمی و کیفی آنها چه بوده است؟

#### منبع:

پایگاه خبری انصاف‌نیوز

Noormagz.ir

Heyvagrroup.com

۱۱۰۰۰۰۰۰ میلیون تومان هم میرسد. قاعدتا در شهری مثل تهران این مبالغ بیشتر از این می‌باشد. حال فکر کنید کیفیت مدارس دولتی افت کرده است، مدارس غیر دولتی با امکانات بیشتر پایه عرصه میدان گذاشته‌اند و والدین که تحصیل فرزندانشان از همه چیز مهم‌تر است هر طور شده آنها را به این مدارس می‌فرستند یا اگر هم نتوانند افسوس آن را می‌خورند که توانایی فرستادن فرزندشان را نداشته‌اند. در نهایت تبعیض شکل می‌گیرد و این روند نابرابری را ترویج می‌دهد

به هر حال با توجه به سخت شدن شرایط اقتصادی و افت قابل توجه قدرت خرید مردم به سادگی نمی‌توان از موضوع تخلفات آشکار در مدارس دولتی و غیردولتی گذشت. موضوعی که هر ساله قبل از شروع سال تحصیلی و آغاز ثبت

## کنکور، عدالت یا تبعیض؛ مسئله این است.

فاطمه عباس زاده کارشناسی ۹۸ علوم اجتماعی



بهتر را جذب خود می کند این رخداد به یکباره حادث شده است. افت شاخص های کیفی همواره دانش آموزان مدارس دولتی را در رقابتی نابرابر به حاشیه رانده و کوشش دولت برای ارزاتر تمام شدن اداره آموزش و پرورش حاصل خود را در مخابره نتایج کنکور به روشنی نمایان کرده است در این سالیان مابه وسیله کنکور دانش آموزان مستعد خود را رایگان برای غرب شناسایی کرده و از دست داده ایم چرا که تقریباً اکثر رتبه های برتر کنکور در ایران نمی مانند حتی کنکور باعث ایجاد باندهای ثروت و قدرت شده است به طوری که برآورد شده است گزارشات مالی موسسات کنکور به ۴۰ هزار میلیارد تومان میرسد این موسسات که برپایه پول شکل گرفته اند و بعضاً برخی از آنان کلاهبرداری محض است باعث شده تفاوت فاحشی بین دانش آموزان مرفه و دانش آموزان کم بضاعت دیده شود چرا که آنان توان پرداخت کلاس هایی به نام کلاس کنکور را ندارند.

اضطراب باید نگران موضوعات بیشتری باشند که از عهده شان خارج است. کنکور در کشور ما برای تحقق عدالت برپا شد اما گویا با گذشت زمان تنها رواج دهنده تبعیض شده است آمار نشان می دهد دانش آموزان کم بضاعت استان های محروم نظیر سیستان و بلوچستان یکی از کمترین آمار قبولی را دارند و استان های برخوردار نظیر تهران آماري به مراتب بهتر دارد. و این باور پذیر نیست که در این استان های دور افتاده از پایتخت دانش آموز سخت کوش و باهوشی وجود ندارد. این روز ها در استان های برخوردار هم این جمله را زیاد می شنویم که هر چه مرفه تر شانس قبولی هم بیشتر چرا که برای ورود به مدارس خاص نظیر سمپاد پول های هنگفتی نیاز است که مخارج این مدارس از دست خانواده های کم بضاعت خارج است. البته نمی توان زیاد هم از این متعجب شد که کنکور در کشور ما بر پایه تبعیض بچرخد زیرا مدارس خاص به رسم همیشه رتبه های برتر را از آن خود می کند و با تبلیغ های گسترده بسیاری از دانش آموزان مرفه و معلمان به مراتب

می توان گفت عدالت از مهمترین واژه ها در قاموس تمدن بشری محسوب می شود حال قرار است کنکور را در حیطه عدالت اجتماعی مورد نقد و بررسی قرار دهیم. امروزه یکی از بزرگترین چالش هایی که کشور ما با آن روبه رو شده عدالت در کنکور است که تا کنون اقدام جدی ای برای بهبود آن صورت نگرفته است. در طی سالیان سال است که روح و روان و بهترین لحظات عمر نوجوانان و جوانان سرزمینمان به امید ساختن آیندشان قربانی واژه ترسناکی به نام کنکور شده است. و علی الظاهر کسی به فکر جوانانی که در این سال ها افسرده و نابود شده اند و حتی در شب سخت آزمون دست به خودکشی زده اند نیست. اعتماد به سنجش و برگزاری یک آزمون هماهنگ هنوز هم از بزرگ ترین مزایای کنکور به شمار می رود اما با گذشت هرچه بیشتر زمان آسیب ها و مضرات کنکور بیشتر از فوایدی شده که بزرگ ترین هدف نظام آموزشی به شمار می رفت. چرا که حالا خانواده ها و دانش آموزان علاوه بر نگرانی های معمول همچون

همچنین مسئله کنکور باعث شده دانش آموزان هرچه بیشتر به تست زنی و حفظ مطالب روی بیاورند و تفکر و خلاقیت تا حد زیادی از آنان سلب شود.

آموزش جایی است که نباید در آن اختلافی میان افراد باشد حال از هر خانواده و قشری که میخواهند باشند اگر تبعیض در فضای آموزشی باشد تخم عداوت نیز کاسته نمی شود و تلاش ها، آرزو ها، هدف ها و بزرگ ترین داشته یک جوان امروز «نگیزه اش» را به یغما می برد.

#### منابع :

سایت ها:

کنکور در ایران ویکی پدیا

کنکور مسلخ علمی نخبگان و ناقص عدالت آموزشی -

تابناک

عدالت یا تبعیض در کنکور-ویستا

Alef.ir

مقالات:

مدرسه عدالت لازمه تحقق سند تحول بنیادین

نویسنده سیدعلیرضا سجادیه

بررسی تاثیر کلاس های کنکور در موفقیت دانش آموزان

نویسنده یحیی فتاحی عماد آبادی

محمدرضا فتاحی

”



## عدالت آموزشی در طبق مقایسه

زهرا یاغیان کارشناسی ۹۷ علوم اجتماعی



یکسان، به بیش از یک سال می رسد. این تفاوت با مسن تر شدن بچه ها بزرگ تر هم می شود.

### ژاپن:

ژاپن در بین ۳۵ کشور ثروتمند جهان در مقام نخست برقراری عدالت آموزشی قرار دارد. به طوری که تنها حدود ۹ درصد از عملکرد دانش آموزان ژاپنی تابعی از وضعیت معیشتی و اقتصادی خانواده آن ها است. به عبارت دیگر می توان گفت که ژاپن گرچه مناطق فقیرنشین دارد اما مدارس فقیر ندارد. این در حالی است که این میانگین در کشورهای مورد مقایسه، ۱۴٪ و در امریکا ۱۷٪ است.

### ایران:

و در مطالعات موردی در ایران نتایج حاکی از آن است که ارتباط مستقیمی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از زیرمقوله های وضعیت اجتماعی خانواده ها، و موفقیت دانش آموزان وجود دارد بنابراین هر اندازه که سرمایه اجتماعی درون خانواده افزایش یابد میزان موفقیت تحصیلی فرزندان بیشتر می شود همچنین با افزایش سرمایه اجتماعی میان خانوادگی میزان موفقیت تحصیلی فرزندان افزوده می شود با این توضیح که تاثیر میزان سرمایه اجتماعی درونی از قدرت بیشتری برخوردار است. بنابراین دانش آموزان و دانشجویان متناسب با جایگاه اجتماعی خانواده خود از خدمات و امکاناتی برخوردار می شوند که با یکدیگر برابر نبوده و بالتبع موقعیت های متفاوتی را هم در آینده در اختیار آن ها قرار میدهد.

### منابع:

کردی حسین، غضنفری شهریانو (۱۳۹۴). تبیین جامعه شناختی رابطه میزان سرمایه اجتماعی خانواده با موفقیت تحصیلی فرزندان آموزشگ، مجله تخصصی آموزش  
دو بچه وله فارسی

در نظام های آموزشی موفق اساسا پیوند عمیقی با زندگی روزمره دانش آموزان و سایر افراد درگیر در این نظام ها وجود دارد و این پیوند میان صنعت، بازار کار، جامعه و سیستم آموزشی دیده می شود؛ بنابراین عدالت آموزشی نیز به عنوان یکی از ارکان اساسی مورد توجه قرار می گیرد و دنبال می شود. چرا که طبق مطالعات انجام شده جایگاه اجتماعی و اقتصادی و سرمایه اجتماعی خانواده ها در میزان موفقیت دانش آموزان و دانشجویان در دوران تحصیل تاثیر گذار است و با توجه به اینکه برابری در وضعیت اجتماعی - خانوادگی و اقتصادی در هیچ جامعه ای به طور مطلق و یکسان برای همه افراد وجود ندارد پس نظام های آموزشی تلاش می کنند با روش های گوناگون تاثیرگذاری این نابرابری در آینده و وضعیت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان را کم کرده و تا حد امکان از بین ببرند. برای بررسی این موضوع سه کشور ژاپن، ایران و آلمان را مورد بررسی قرار داده و مقایسه کرده ایم.

### آلمان:

بر اساس نتایج بدست آمده از تحقیقات سال ۲۰۱۳ موسسه برتلمن در هیچکدام از کشورهای عضو گروه «امنیت و همکاری جهان» جهان به اندازه آلمان موفقیت های تحصیلی با وضعیت اجتماعی خانوادگی فرد مرتبط نیست. افرادی که در خانواده های دریافت کننده کمک های اجتماعی بزرگ شده و پدر و مادر آن ها تحصیلات خود را به پایان نرسانده اند، به سختی موفق به دریافت دیپلم می شوند. نشانه های این اختلاف طبقاتی در امر تحصیل قابل مشاهده هستند. تحقیقات به انجام رسیده از دانش آموزان ده ساله کلاس چهارم، نتایج هشداردهنده ای داشته است. بر طبق این نتایج فاصله تحصیلی بین دانش آموزان دارای والدین تحصیل کرده و دیگر دانش آموزان، حتی در یک مقطع تحصیلی

## آرشیو بروز نشریات دانشجویی

- اخبار و اعلان های خانه نشریات -
- آرشیو کامل نشریات دانشجویی -
- نحوه دریافت حمایت مالی -
- نحوه درخواست مجوز نشریه -
- نحوه شرکت در جشنواره نشریات -
- نحوه ثبت از آرشیو نشریه -
- استاد و آیین نامه ها -
- دستورالعمل نشریات دانشگاهی -
- اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات -
- لیست نشریات فعال -



خانه نشریات  
دانشگاه فردوسی مشهد

